

## سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور و منتقدین، مخالفان و دشمنان آن

سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور، با این فکر که احزاب، سندیکاها و سایر نهادهای دموکراتیک همه جا پیش شرط استقرار و استمرار دموکراسی بوده اند و جبهه ملی ایران مهمترین و شناخته ترین سازمان سیاسی مدافع آزادی و دموکراسی تاریخ معاصر ایران بوده است، در پی کوشش های مداوم و با همت رهروان نهضت ملی ایران در خارج از کشور، با برگزاری پیشکنگه و سپس کنگه رسمی و تصویب برنامه سیاسی، اساسنامه و چندین قطعنامه و پیام در خارج از کشور، پا به عرصه مبارزات سیاسی گذاشت. توجه به سازماندهی لازم و مناسب در ادامه خدمت در راه استقرار آزادی و دموکراسی در ایران و پشتیبانی از مردم ایران و کسب حمایت هرچه بیشتر از مردم جهان در جهت پیروزی این مبارزه ملی، نقطه مرکزی حرکت این سازمان گردید. بدین منوال دوستان وفادار نهضت ملی و کسانیکه تا بحال در گروهها و سازمانهای مختلف مصدقی فعالیت داشتند گرد هم آمدند و با تمام سعی خود کوشیدند که سازمانی را بسازند که راه پیوستن سایر گروههای جبهه ای و مصدقی را باز نگاهدارد.

با اینهمه هیچیک از شرکت کنندگان در کنگه که برخی از آنها بیش از پنجاه سال از عمر خود را در این جنبش سپری کرده اند، در این خوش خیالی بسر نمی بردند که با برگزاری یک کنگه همه مشکلاتی که تاکنون مانع یک همکاری نزدیک در یک تشکیلات واحد شده، یکسبه بر طرف خواهد شد. همچنین میدانستیم که اعضا قدیمی و علاقمندان به جبهه ملی ایران در خارج از کشور خیلی بیشتر از اعضا کنونی آن هستند و به عبارت دیگر از دید ما روند اتحاد جبهه ملی ها با تشکیل این سازمان به پایان نرسیده است. غرولندها و «انتقادات» مدعیان و حتی بعضی از طرفداران نهضت ملی (میلیون) نشان داده است که ایجاد تشکیلات جبهه ملی فقط موافق ندارد و گروه های پراکنده و کوچک جبهه ملی در خارج از کشور با میل و سلیقه بعضی بیشتر مطابقت دارد. افرادی که تا بحال بصورت فردی فعالیت میکردند و به کار تشکیلاتی عادت ندارند یا آنهایی که هر روز نظرشان را به مد روز عوض میکرده اند، چون تاب و تحمل پاسخگو بودن در مقابل جمع و هماهنگ نمودن اقدامات خود با دیگران را ندارند، به بهانه های گوناگون با هرگونه فعالیت متشکل مخالفت میورزند.

در حالی که بعضی دوستان، حتی از طیف های دیگر سیاسی با تشویق، ارائه پیشنهادات و انتقادات سازنده، ما را در تحقق اهداف خود یاری دادند، منتقدین کم تجربه تری هم پیدا شدند که تصور میکردند به خاطر حسن نیتی که دارند نظراتشان باید فوراً به مورد اجرا در آید. این دوستان توجه نداشتند که بعضی کمبودها مانند پائین بودن درجه شرکت بانوان و جوانان، پراکندگی گروه های طرفدار نهضت ملی، فقدان اتحاد با سایر طیف های دموکرات برای استقرار دموکراسی، یا اهمیت بحث های تاریخی و غیره فقط به ذهن آنان نرسیده و رجوع به اسناد انتشار یافته از طرف نشست های این سازمان در شهرهای مختلف اروپا و آمریکا نشان میدهد که اعضا جبهه ملی این کمبودها را شناخته و در صدد برطرف نمودن آنها هستند. همچنین توجه نمیکنند که برطرف کردن تقریباً تمام این مشکلات یکسبه ممکن نیست و بعضی از آنها مانند اتحاد جبهه ملی ها، به خواست و عملکرد دیگر گروه های ملی نیز وابسته است و به دیالوگ، حوصله، جلب اعتماد و بالاخره زمان نیاز دارد.

در میان منتقدین ما افرادی هم بوده اند که همکاری یا اتحاد عمل جبهه ملی با طیف سلطنت طلبان را توصیه میکنند. صرفنظر از اینکه هیچ سازمان دموکراتی نمیتواند برای استقرار آزادی و دموکراسی با همان طیف هائی همکاری کند که در گذشته آزمایش خود را داده و هنگامی که در قدرت بوده اند، خشن ترین دیکتاتوری ها و قانون شکنی ها را در کشور بر پا کرده و در واقع مسبب وضع امروز کشور ما هستند، تجربیات مردم خود ایران و اکثر کشورهای جهان نیز نشان میدهد که وقتی فردی بطور موروثی و یا تحت عناوین دیگر مانند ولی فقیه بدون انتخابات دوره ای در راس حکومت قرار گیرد، مانع بزرگی در راه دموکراسی میشود.

متأسفانه بیش از پنجاه سال نبودن امکان فعالیت آزاد احزاب و تشکل ها در کشورمان، فرهنگ تحزب آنچنان تنزل یافته که نشانه های آن را میتوان در رفتار بعضی افراد که خود را طرفدار جبهه ملی نیز میدانند ولی متأسفانه تربیت و سابقه فعالیت تشکیلاتی در آن را ندارند، مشاهده نمود. برای مثال بعضی افراد با موضعگیری های در هم و مخدوش به نام جبهه ملی بدترین صدمات را به حیثیت آن میزنند. بهترین مثال فردی در آمریکا است که خود را طرفدار جبهه ملی معرفی میکند و تارنمائی به این نام را نیز اداره میکند. او در تارنمای خود اصول عقاید و خط سیاسی جبهه ملی را مخدوش و به دلخواه شخص خود جلوه میدهد. برای مثال وی حضور خود در جلسه مشروطه خواهان را به معنی اتحاد جبهه ملی و گروه مزبور قلمداد کرد و همصدا با سلطنت طلبان از جبهه ملی ها به عنوان "سینه زنان ۲۸ مرداد" یاد میکند. فرد دیگری که هم نظر و مشاور عالی ایشان است چندی پیش در تلویزیون آمریکا ادعا هائی نمود که هیچگونه قرابتی با اصول عقاید، نظرات و خط سیاسی جبهه ملی ندارد. این فرد برای مثال ادعا کرد که فعلا جبهه ملی ایران رهبر ندارد و در آینده رهبر خود را معرفی خواهد کرد، یا آنکه جبهه ملی فقط خواستار انتخابات آزاد است و به جمهوری اسلامی کاری ندارد، یا ادعا کرد که ایشان ۸ تا ۹ سال قبل از انقلاب اسلامی رابط بین اپوزیسیون و محمد رضا شاه بوده و بالاخره ادعا کرد که جبهه ملی خواهان همکاری با طیف مشروطه خواهان است. این اظهارات که یا به سبب بی اطلاعی کامل و یا مغرضانه بود، همانطور که انتظار میرفت با موضع گیری به موقع و درست جبهه ملی ایران و عکس العمل های طرفداران جبهه ملی در داخل و خارج کشور روبرو شد.

ضعف فرهنگ حزبی، تشکیلاتی در جامعه ما فقط در برخورد افرادی که خود را طرفدار تشکل های سیاسی میدانند مشاهده نمیشود. رفتار مخالفین، بویژه مخالفین غیر متشکل نیز نشانه هائی از این ضعف را با خود به همراه دارد. بعضی افراد که اصولا با جبهه ملی و نهضت مصدقی مخالف هستند و فقط دنبال بهانه می گردند که مخالفت های قلبی خود را برای دیگران توجیه کنند، در عوض آنکه افکار خود را به روشنی ابراز کنند، این روزها راه جدیدی برای ابراز مخالفت با نهضت ملی پیدا کرده اند. برخوردهای آنها با جبهه ملی اول دوستانه و ناصحانه است بعد تبدیل به "انتقاد" میشود و در آخر به تخطئه جبهه ملی و رهبران آن می انجامد. آنها مقاله و یا سخنرانی شان را با ابراز ارادت به دکتر مصدق شروع می کنند اما در آخر همان مقاله یا سخنرانی رهبران جبهه ملی ایران را به "ورشکستگی اخلاقی" و عناوینی شبیه آن محکوم می کنند. در میان این نوع مخالفین غلط مشهوری هم هست که روزی یک برنامه تلویزیونی را به تجلیل از سپهبد زاهدی، عامل کودتای ۲۸ مرداد علیه حکومت دکتر مصدق اختصاص میدهد و روز دیگر لباس خیرخواهی جبهه ملی را پوشیده شروع به راهنمائی و نصیحت آن میکند. این فرد که در دوران انقلاب اسلامی شدیدترین طرفداری ها را از خمینی کرده و خود هیچ نیازی به برخورد به گذشته هایش نمی بیند، با علم به اینکه بحث های تاریخی در مورد دوران

انقلاب به ویژه با توجه به شرایط داخل کشور در جبهه ملی مشکل است و در این شرایط کمکی هم به ادامه کار ما نمیکند، دائماً به کوشش عبث خود برای اینکه آن را به بحث اصلی جبهه ملی تبدیل کند ادامه میدهد. این فرد باید بداند که اعضا و هواداران جبهه ملی زیرک تر از آنند که اجازه دهند بحثی از خارج به ایشان تحمیل شود و آنان را از مبارزه دشواری که در پیش دارند منحرف نماید.

بالاخره تکلیف ما با گروه دیگری که دشمنان قسم خورده جبهه ملی هستند برای مثال سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی خیلی روشن است. آقای سخنگو بلافاصله پس از پیشکنگره ما در خرداد ماه ۱۳۸۶ ادعا کرد که دختر دیک چنی در آن پیشکنگره شرکت داشته است. ادعائی دروغ که با تکذیب بلافاصله سازمان ما روبرو شد.

**هیات اجرایی سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور  
شانزدهم تیرماه ۱۳۸۷ برابر ششم ژوئیه ۲۰۰۸**